

. سؤال بیست و هفتم 2015 دوشنبه دوم مارچ

آیا موسیقی حرام است؟

دکتور فرید یونس

یک خواهر گرامی برای من ایمل کرده است که در یک عروسی شرکت کرده بود و موسیقی نبود و وقتی که جویای احوال شدند برای‌شان گفته شده که موسیقی حرام است و نباید در مجلس باشد. این خواهر گرامی به من افتخار بخشیدند و سؤال کردند که آیا موسیقی در اسلام برآستی حرام است؟

وقتی که موسیقی را از نگاه انتروپولوژی فرهنگی مطالعه می‌کنیم اینطور فهمیده می‌شود که از اوایل خلقت با نسل بشر بوده است و این برای این است که جهان هستی با صوت خلق شده است. شما تصور کنید، صوت بلبلان، صوت آبشار، صوت آب دریا، شَرشَر برگ درختان و فهرست آن در طبیعت به درازا میکشد. انسان و طبیعت که از همدیگرند و انسان جزء همین طبیعت است نه میتواند بدون صوت و صدا زندگی کند. زیرا طبیعت هم مانند انسان با احساس، نیرو، جاذبه، روح و گوناگونی های طبیعی خلق شده است و این حکمت پروردگار عالمیان است

موسیقی کلمه عربی است و اما اساساً از یونانی ترجمه شده است. یکی از بزرگترین ترین تشبثات که مسلمانان بین قرون نهم الی دوازدهم میلادی کردند ترجمه مسایل فلسفی و فرهنگی یونانی ها به زبان عربی بود که همین تشبث نیک مسلمانان را به علوم مدنی نزدیک ساخت بلکه اروپای قرون وسطی را بیدار کرد و باعث ظهور فرهنگی رنسانس در اروپا گردید. یعنی مسلمانان باعث به وجود آوردن رنسانس اروپا شدند. کلمه موسیقی توسط فیلسوف و عالم مسلمان به نام الکندی از یونانی به عربی ترجمه (میلادی) اولین موسیقی دان 950 شده است. ابو نصر محمد بن مجد فارابی (متوفی مسلمان در تاریخ اسلام ثبت شده است، زیرا او اولین کسی بود که برای اولین بار نوت های موسیقی را نوشت و بعد از او حکیم ابن سینا هم در نوشتن نوت های موسیقی همت گماشت. فارابی لغت موسیقی را برای بار اول در نوت خویش با نام «آل موسیقی آل کبیر» استفاده کرده است. ثبوت اول ما اینکه موسیقی حرام نیست این است که مسلمانان در علم موسیقی بسیار از غرب پیشقدم بودند. یعنی نوت موسیقی قبل ازینکه توسط غربیان مانند موزارت، بیتهوفن، چایسوفکی و غیره نوشته شود.. مسلمانان پیشتاز بوده اند

حالا آمدیم در مسأله حرام و حلال موسیقی از دید قرآن مجید، سنت و حدیث پیشوای اسلام (ص). اول اینکه اگر حرام میبود، قسمیکه در بالا تذکر رفت حکیمان و فلاسفه اسلام به آن سر و کار نه میداشت. دکتور محمد یوسف قرضاوی عالم سرشناس اهل تسنن در شرق میانه کتابی دارد زیر عنوان «حلال و حرام در اسلام» که توسط آقای خورشیدی به زبان فارسی از عربی ترجمه شده است. درین 1374 حسن زاده در سال کتاب، که کتاب بسیار مشهور در بین مسلمان هم است، دکتور قرضاوی حرام را چنین تعریف میکند «حرام امری است که خداوند بطور حتم از آن نهی کرده باشد، به نحوی که اگر کسی خلاف آن عمل کند در قیامت مورد خشم و عقاب او قرار میگیرد و گاهی در دنیا نیز به مجازات شرعی دچار میشود». و جناب قرضاوی

در فصل اول «اصول و قوانین اسلام در باره حلال و حرام مینویسد: «حلال و حرام نمودن اشیاء تنها حق خداست». مرجع اول قانون در اسلام قرآن مجید است و کلمه موسیقی

قطعاً در قرآن مجید تذکر نیافته چه خاصه به حرام بودن آن. دوم در همین اصولنامه آقای قرضاوی می‌نویسد که «چیزی که حرام است برای همه حرام است» معنی این جمله این است که حلال و حرام از جانب خداوند به همه مردم گفته شده است نه یک گروه خاص. مرجع دوم در اسلام بعد از قرآن مجید احادیث یعنی گفتار پیشوای اسلام (ص) و سنت‌های آن مبارک یعنی روش زندگی جناب رسول کریم (ص) می‌باشد. کتب حدیث سال بعد از رحلت پیشوای اسلام جمع آوری شده است و نزد اهل تسنن معتبر 150 ترین آن احادیث صحیح بخاری و بعد صحیح مسلم است. درین دو مجموعه کلمه حرام برای موسیقی از دهن مبارک پیشوای اسلام قطعاً تذکر نرفته است. بیابید ببینیم که در احادیث چه آمده است: در صحیح بخاری می‌خوانیم که در یک محفل عروسی پیشوای اسلام (ص) از همسرش عایشه (رض) پرسیده است که «ای عایشه چرا تفریح و شادی ندارند؟ چون انصار [داماد از انصار بود] به تفریح علاقه زیاد دارند». این حدیث می‌رساند که موسیقی را پیشوای اسلام نه تنها منع نکرده است در نبودن آن سؤال کرده است. در کتاب «حلال و حرام در اسلام» داستان جالبی از پیشوای اسلام را دکتور قرضاوی نقل قول کرده است که برای شما خواننده عزیز دور از دلچسپی نخواهد بود، «ابن عباس [رض] می‌گوید: عایشه [رض] یکی از دختران خانواده شان را با یک مرد انصاری عقد نمود و پیغمبر (ص) فرمود: دختر را به ایشان دادید، گفتند: بلی. پیغمبر (ص) باز فرمود: آیا آواز خوانی را همراه شان فرستادید؟ عایشه (رض) گفت: نخیر. پیغمبر (ص) فرمود: انصار قومی هستند که آواز خوان دارند؛ کاش کسی را با ایشان می‌فرستادید و این سرود را می‌خواند: «آمدیم پیش شما آمدیم، خداوند ما و شما را زنده و سلامت بدارد». درین حدیث دو نکته بسیار مهم نهفته است اول اینکه پیشوای اسلام آرزو کرده کاش یک آواز خوان میبود که با اظهار این مطلب موسیقی را حلال میدانند و دوم اینکه شخص پیشوای اسلام (ص) یک آهنگ را سفارش کرده‌اند که این هم حلال بودن موسیقی را به ما گزارش می‌دهد. در صحیح بخاری روایت شده است که ابوبکر صدیق (رض) نزد دخترش بی بی عایشه (رض) رفته بود و عید قربان بود. در خانه دو نفر از زنان آواز می‌خواندند و دف می‌زدند. پیغمبر (ص) در خانه بود و عبایش را رویش کشیده بود و خفته بود اما به خواب نبود. ابوبکر (رض) خشمگین شد که این کار نباید در حضور پیغمبر صورت گیرد و اما پیغمبر سرش را بیرون آورد و فرمود «به آنها کاری نداشته باشید ای ابوبکر؛ این روزهای عید است». درین حدیث هم می‌بینیم که نه تنها ممانعت صورت نگرفته است به زنان اجازه داده تا به کار خود مشغول باشند. یعنی موسیقی تنها کار مردان نیست و از زنان هم است. پس اجازه ندادن بانوان در موسیقی یک زن ستیزی است و بس. دیده می‌شود که در مرجع دوم قانون اسلام جزئی ترین ممانعت در مورد موسیقی صورت نگرفته است و بر عکس اجازه داده شده است، تشویق شده است و جزء مراسم خوشی مسلمانان دانسته شده است. داستان دیگری از پیشوای اسلام (ص) با عایشه (رض) به ما رسیده است که بین علماء قبول و تأیید آن یک داستان متفق علیه است که عایشه (رض) آرزو داشت تا خوانندگان و سرایندهگان را در صحن مسجد تماشا کند. پیغمبر (ص) تا وقتی منتظر ماند که عایشه (رض) خودش از تماشا خسته شد. این داستان توسط بزرگترین عالم دین امام غزالی در کتاب «احیاء علوم الدین» که از آثار مشهور غزالی است و به زبان فارسی ترجمه شده است، نقل قول شده است. امام غزالی در کتاب مشهورش «کیمیای سعادت» که ترجمه انگلیسی آن راه خود را به غرب باز کرد و هزاران غیر مسلمان را به اسلام آشنا ساخت، در مورد موسیقی

سَماع می‌نویسد: «و روا نباشد که سماع حرام بود بدان سبب که خوشیها حرام نیست ، و آنچه از خوشیها حرام است، نه از آن حرام است که خوش است، بلکه از آن حرام است که در وی ضرری باشد و فسادی» درین گفتار، غزالی به وضاحت موسیقی را حلال میدانند و اما هشدار میدهد که وقتی که باعث ضرر و فساد شود حرام میشود. هدف سراینندگان ما خوشی مجالس عزیزان است نه ضرر و فساد. آنانیکه فساد می‌کنند خود مسئول هستند نه اینکه موسیقی حرام باشد و یا ما خوانندگان و سراینندگان را مسئول بدانیم. غزالی علیه الرحمه در مورد سماع و موسیقی و رابطه آن به عالم بالا چنین می‌نویسد: «همچنین سماع خوش و آواز موزون آن گوهر دل را بجنابند و در وی چیزی پیدا آورد، بی‌آنکه آدمی اندر آن اختیاری باشد. و سبب آن مناسبتی است که گوهر آدمی را با عالم علوی که آن را عالم ارواح گویند-هست. و عالم علوی حُسن و جمال است، و هر چه متناسب است از جمال آن عالم. چه، هر جمال و حُسن و تناسب که در این عالم محسوس است، همه ثمره حُسن و جمال و تناسب آن عالم است». هدف غزالی ازین گفتار این است که نه تنها که موسیقی جزء طبیعت است چون از طبیعت است و صانع این جهان هستی خداوند، پس با جمال آن ذات اقدس الهی تناسب دارد زیرا روح آدمی را شاد میکند

هر چیز میتواند به فساد و ضرر کشانده شود. امروز داعش و طالب و گروه‌های تند گرا که از دین اطلاعی ندارند ، به نام دین چه مصیبت و وحشت را به بار آورده است و دین حنیف را به بد نامی کشانده است. روزی هیتلر به نام ناسیونالیزم و روزی استالین به نام پرولتاریا مردم و تاریخ و فرهنگ را تار و مار کردند و امروز داعش و طالب به نام اسلام. اسلامی که اگر مجد (ص) زنده میبود و این وحشت را میدید ، مو در بدنش از ترس خدا راست میشد

در مورد احادیث غلط که در متون اسلام داخل شده است ،قرضاوی چنین می‌نویسد: «اما احادیثی که در مورد حرام بودن بازی و آواز خوانی وارد شده است ، تمام آنها به وسیله علماء حدیث مورد طعن و ایراد واقع شده‌اند و هیچ کدام سالم و بی عیب نیستند، قاضی ابوبکر عربی می گوید: در باره تحریم آواز خوانی هیچ حدیثی به ثبوت نرسیده است. یکی دیگر از علمای جید این حزم است که می‌گوید هر حدیثی که در مورد حرام بودن آواز خوانی روایت شده است باطل است. این حزم آیه ششم سوره لقمان را قطعاً ربطی به آواز خوانی نمیدهد و تصریح میکند که هدف آیه آواز خوانی نه، بلکه مسخره کردن خداوند است و نیت شخص را در عملش استدلال قرار میدهد نقطه آخری که قابل تذکر است این است که هیچ ثبوت شرعی وجود ندارد که اهل نسوان آواز نخوانند و یا با موسیقی سر و کار نداشته باشند. قسمیکه در بالا اشاره کردیم اگر چیزی در اجتماع حرام شود برای همه مردم حرام است نه تنها مردان و یا زنان و آنانیکه زنان را از موسیقی منع میکنند به جزء از زن ستیزی چیز دیگر نیست. در اسلام زن و مرد موازاً نزد خداوند مسئول هستند

در اخیر من منحیت یک مسلمان به همه خوانندگان و سراینندگان کشور ما از ذکور و اناث افتخار میکنم زیرا اینها نه تنها روح و روان جامعه ما هستند و ما را شاد می‌سازند که با طبیعت انسانی سازگار است ، در کنار آن پیغام آور صلح و دوستی و برادری و آزادی در بین مردم هستند. امروز در حالیکه داعش و طالب به نام دین مردم بی‌گناه را به

حملات انتحاری به قتل میرسانند ، میراث فرهنگی و تاریخی کشور ها را منهدم میکنند ، زنان را داخل برقه میکنند و جامعه را از حقوق انسانی که آزادی بیان و کلام است و حق داشتن شعور سیاسی است محروم می کنند ، سراینده ما هر روز یک آهنگ برای برادری ، یک آهنگ برای حقوق زن و یک آهنگ برای مقام انسانی و برابری می سازد. دیروز مسلمان باعث به وجود آوردن رنساس در اروپا شد و اروپا را از اسارت فکری نجات داد ، امروز مسلمان مسلمان را به نام دین به اسارت فکری مجبور میکند. تفاوت میان سراینده و شخص دینی که موسیقی را حرام میداند ، بسیار خنده آور است. در قرن بیستم نماینده بریتانیا در کابل ، آقای دابس از پیر خرابات افغانستان شاد روان استاد هجری خورشیدی) تقاضا کرد تا او را یک آهنگ میهنی و یا 1335 قاسم افغان (متوفی ملی پیامورد. استاد قاسم افغان این بیت را برای نماینده استعمار انگلیس در کابل آقای دابس ، سرود

مکتب ما جای استقلال سبق ما هوای استقلال
و اما مرد دینی دست خود را با استعمار بسته کرد و مترقی ترین شاه کشور را به نفع استعمار از پای درآورد. در قرن بیست و یکم، سراینده، اتفاقاً نوه استاد قاسم افغان، آهنگ «آشتی» را که بسیار مشهور شد ساخت تا مردم را به وحدت و اتحاد دعوت کند و اما مرد دینی به طرفداری امپریالیزم استخاره کرد و کشور را در منجلاب بدبختی و اسارت خارجی کشاند.
من از خواهر گرامی ام که سؤال را از کشور آلمان مطرح کرده بودند ، تشکر میکنم